

آزمون حضوری
شماره شش



پایه دوازدهم
رشته انسانی

مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز

نام درس	مباحث	از صفحه	تا صفحه	مؤلف	ویراستار
اقتصاد	اقتصاد درس ۳ تا ۶، صفحه ۲۲ تا ۶۶	۲	۱۲	سارا شریفی	کوثر رعدی



درس سوم

نقشه راه -

در تصمیم‌گیری‌های منطقی، افراد هزینه‌ها و منافع گزینه‌های مختلف را با هم مقایسه و بهترین آن را انتخاب می‌کنند.

اقتصاد و مسئله انتخاب -

- هر کسب و کاری (چه شخصی، چه در قالب شرکت) با مسئله انتخاب مواجه است. (چه چیزی تولید کنید یا این که چه قدر از هر چیز تولید کنیم؟)
- برخی از اقتصاددانان علم اقتصاد را علم انتخاب می‌دانند. (به دلیل مهم بودن مسئله انتخاب)
- اقتصاددانان معتقدند اقتصاد به ما می‌آموزد که در شرایط کمیابی منابع، چگونه بهترین انتخاب را انجام دهیم.

۱) با مفهوم کمیابی منابع آشنا شویم.	برای انتخاب درست باید
۲) بدانیم چگونه می‌توان با در نظر گرفتن هزینه‌ها و منافع هر انتخاب، تصمیم درستی گرفت.	

قانون اول: منابع خود را شناسایی کنید و بدانید که آن‌ها کمیاب‌اند!

اقتصاددانان منابع تولید را در سه دسته کلی طبقه‌بندی می‌کنند:

منابع تولید	مثال
منابع طبیعی (زمین)	زمینی که تولیدکننده گندم آن را زیر کشت می‌برد.
نیروی کار	کشاورزانی که روی زمین کار می‌کنند. معلمان و کارمندان در یک شرکت تدریس خصوصی
سرمایه	سرمایه فیزیکی: تراکتوری که روی زمین کار می‌کند. تجهیزات اداری (میز، تخته و ابزارهای آموزشی و ...) در یک شرکت تدریس خصوصی
	سرمایه انسانی: دانش و مهارت نیروی انسانی مهارت و دانش تدریس معلمان یک شرکت تدریس خصوصی

- تولید خدمات هم در اقتصاد نیازمند عوامل تولید است.
- منابع تولید در حالت کلی، امکانات در اختیار شما برای ارائه محصول یا خدمت است.
- افراد قبل از اخذ تصمیمات خود، در ذهن خود دو سؤال اساسی دارند:
- ◀ **اصل اول:** منابعی که در اختیار دارید (به عنوان مثال منابعی که در اختیار یک کشاورز است مانند: متراژ زمین، حجم بذر، نیروی کار و ...) پایان‌ناپذیر نیست، بلکه برعکس، کاملاً محدود است.
- ◀ **اصل دوم:** در آن واحد نمی‌توانید از یک چیز دو استفاده متفاوت بکنید؛ یعنی هر چیزی دارای محدودیت در استفاده است؛ به عنوان مثال اگر کشاورز کل زمین را زیر کشت گندم ببرد، دیگر نمی‌تواند در آن یونجه یا جو بکارد.
- همه عوامل یا منابع تولید در اقتصاد کمیاب‌اند.
- ما به منابع در دسترس محدود شده‌ایم. هر چه منابع بیشتری داشته باشیم، کالاها خدمات بیشتری می‌توانیم تولید کنیم (اما نمی‌توانیم منابع را خلق کنیم).
- در هر نقطه از زمان، هر شخص یا شرکت و یا هر کشوری مقدار معینی از نیروی کار، زمین قابل بهره‌برداری، سرمایه انسانی و فیزیکی دارد.

قانون دوم: هزینه فرصت هر انتخاب را محاسبه کنید!

- محدودیت منابع، مفهوم «هزینه فرصت» را به همراه دارد.
- هزینه فرصت یک انتخاب، ارزش بهترین گزینه بعدی است که فرد آن را هنگام انتخاب از دست داده است.

● پس از اولویت‌بندی گزینه‌ها، وقتی اولین را انتخاب کردیم، بهترین اولویت بعدی، هزینه فرصت انتخاب ما خواهد بود (البته این اولویت‌بندی برای اشخاص مختلف، متفاوت است).

مثال سینما رفتن برای یک فرد چه هزینه‌هایی دارد و هزینه فرصت سینما رفتن چیست؟

● ممکن است بگوییم که هزینه سینما رفتن، پولی است که برای بلیط پرداخت می‌شود. قیمت بلیط سینما، هزینه آشکار سینما رفتن است. اما سینما رفتن هزینه پنهان هم دارد.

● کاری که برای سینما رفتن از آن صرف نظر کرده‌اید (در واقع بهترین گزینه از بین دیگر گزینه‌ها)، هزینه فرصت انتخاب شماست.

● به عنوان مثال اگر بهترین گزینه بعدی بسکتبال بازی کردن باشد، بنابراین بسکتبال بازی کردن هزینه سینما رفتن است (در طول مدتی که شما در حال تماشای فیلم هستید، بسکتبال بازی کردن را رها کرده‌اید. شما در واقع بازار رفتن یا مطالعه را رها نکرده‌اید؛ زیرا حتی اگر به سینما نمی‌رفتید گزینه بعدی شما نبود).

● اما چرا مجبوریم بین سینما رفتن یا بسکتبال بازی کردن یکی را انتخاب کنیم؟

زیرا: منابع و امکانات ما (مانند پول، وقت و زمان) «کمیاب» است.

◀ با یک مقدار مشخص از پول، نمی‌توانیم هر چیزی را بخریم.

◀ هر کاری مثل خوابیدن، غذا خوردن، مطالعه، تفریح و کارهای دیگری که به آن علاقه داریم، همگی به زمان نیاز دارد و انجام یک کار در زمان مشخص به معنای عدم امکان انجام بقیه کارها است.

● به دلیل وجود کمیابی در امکانات و داشته‌ها، همیشه باید بین گزینه‌های انتخاب، «بده - بستان» کرد.

● «بده - بستان» یعنی: چیزی را رها کرده تا چیز دیگری را به دست آوریم.

● کشورها (مانند مردم) یا کمیابی منابع روبه‌رو هستند.

● کمیابی منابع، هر جامعه را مبادله مواجه می‌سازد.

● اگر منابع بیشتری برای تولید یک کالا و خدمات اختصاص داده شود، منابع کم‌تری برای تولید کالا و خدمات دیگر باقی می‌ماند.

● حتی اگر یک کشور کالاهایی از دیگر کشورها بخرد، هنوز با کمیابی و مبادله مواجه است.

قانون سوم: قید بودجه خود را ترسیم کنید!

● وقتی شما مقدار مشخص و محدودی پول برای خرج کردن دارید، در این حالت می‌گوییم شما یک قید بودجه دارید.

● بودجه شما محدود است، بنابراین مجبورید بین گزینه‌های خود بده - بستان کنید.

● فرض کنید شما ۲۵ هزار تومان برای صرف ناهار پول دارید. حال نحوه انتخاب بین بیسکویت و شکلات را بررسی می‌کنیم:

(قیمت هر عدد شکلات ۲۵۰۰ تومان / قیمت هر بسته بیسکویت ۵۰۰۰ تومان)

در نقطه «الف» می‌توان ۲ بسته بیسکویت و ۶ عدد شکلات خرید:

$$\text{تومان } 25,000 = 10,000 + 15,000 = (2 \times 5000) + (6 \times 2500)$$

در نقطه «ب» می‌توان ۳ بسته بیسکویت و ۴ عدد شکلات خرید:

$$\text{تومان } 25,000 = 15,000 + 10,000 = (3 \times 5000) + (4 \times 2500)$$

در نقطه «ج» فرد تمامی بودجه خود را به خرید بیسکویت اختصاص می‌دهد و

$$\text{تومان } 25,000 = 5 \times 5,000$$

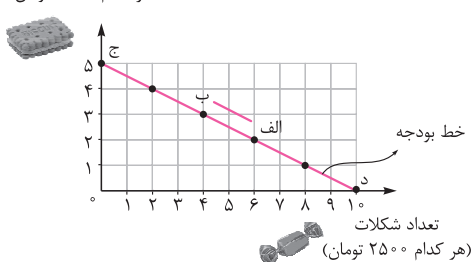
می‌تواند ۵ بسته بیسکویت بخرد:

در نقطه «د» فرد تمامی بودجه خود را به خرید شکلات اختصاص می‌دهد و

$$\text{تومان } 25,000 = 10 \times 2,500$$

می‌تواند ۱۰ عدد شکلات بخرد:

تعداد بیسکویت
(هر کدام ۵۰۰۰ تومان)





قانون چهارم: هزینه‌های هدررفته را فراموش کنید!

- هزینه‌هایی که پرداخت شده است و شما نمی‌توانید آن را بازگردانید «هزینه هدررفته» نام دارد؛ این هزینه‌ها نباید تأثیری در انتخاب و تصمیم شما داشته باشد.
- تنها هزینه مؤثر بر تصمیم‌گیری: هزینه‌هایی که در زمان تصمیم‌گیری به وجود می‌آیند.
- برای اتخاذ یک تصمیم خوب، تشخیص تفاوت هزینه‌هایی که بر تصمیم تأثیر می‌گذارند، بسیار مهم است و هزینه‌های هدررفته مهم نیستند.

قانون پنجم: بین هزینه‌ها و منافع خود، مقایسه کنید!

- برای تصمیم‌گیری منطقی باید تمام منافع با تمام هزینه‌ها مقایسه شود و در نهایت به این نتیجه برسیم که در گزینه انتخاب‌شده، منافع بیشتر از هزینه‌هاست.
- همیشه مقایسه هزینه‌ها و منافع براساس اطلاعاتی که از آن‌ها داریم، انجام می‌شود.
- ◀ مقایسه منافع و هزینه‌ها بخشی از تصمیم‌گیری منطقی است.
- ◀ بهترین تصمیم به نوع رویکرد فرد بستگی دارد.

- انواع تصمیمات
- ◀ (۱) انتخاب از میان گزینه‌های مختلف ← مثال گاهی اوقات گزینه‌های تصمیم ما این است که مطالعه کنیم یا به گردش برویم.
 - ◀ (۲) انتخاب چه مقدار از هر چیز ← مثال گاهی درباره میزان مطالعه یا مدت زمان گردش در حال انتخاب و تصمیم‌گیری هستیم.

– اشتباهات رایج در تصمیم‌گیری (عوامل رفتارهای غیرمنطقی) –

مثال	اشتباهات رایج در تصمیم‌گیری (عوامل رفتارهای غیرمنطقی)
ترجیح دادن کالایی ۱۶۰ هزارتومانی که ۵۰ درصد تخفیف دارد بر کالایی با قیمت ۸۰ هزار تومان (خرید صرفاً به دلیل حراج یا فروش ویژه).	(۱) اثرگذاری حقه‌های فروش بر تصمیم‌گیری‌ها
● خوردن کامل غذایی که سفارش داده‌اید، ولی آن را دوست ندارید، صرفاً به دلیل پول پرداخت‌شده بابت آن غذا. ● رفتن به کلاس بی کیفیت، صرفاً به دلیل پرداخت کامل شهریه آن.	(۲) عدم توجه به هزینه‌های هدررفته
● سراغ کارهای کم‌ارزش آنی رفتن، به جای صبر در تحصیل و یادگیری و بهره‌مندی از منافع آنی آن ● زیر بار سنگین انواع بدهی‌ها رفتن برای تأمین هزینه‌های مصرف فعلی	(۳) بی‌صبری زیاد
● خوش‌بینی زیاد درباره درآمد آینده و پس‌انداز کم‌تر برای نیازهای آنی ● سرمایه‌گذاری در زمینه‌های پرخطر، بدون آمادگی لازم	(۴) اعتماد به نفس بیش از حد یا خودرأی بودن
چسبیدن به وضعیت فعلی و پرهیز از بررسی گزینه‌های جدید با رویکرد منطقی هزینه – فایده	(۵) چسبیدن به وضعیت فعلی

درس چهارم: مرز امکانات تولید

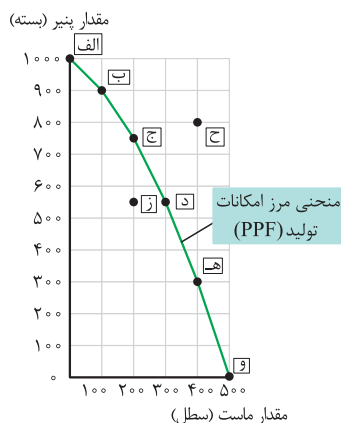
الگو: نمایشی ساده از واقعیتی پیچیده

مثال‌هایی برای الگو	توضیحات
نقشه راه‌ها	جزئیات (همانند ساختمان‌ها، درختان و دست‌اندازها) را نشان نمی‌دهد. نقشه فقط راه‌های اصلی و فرعی را نشان می‌دهد، تا فرد بتواند بدون درگیر شدن در جزئیات غیرلازم، مسیر خود را پیدا کند.
الگوی آناتومی بدن انسان (مورد استفاده در زیست‌شناسی)	به ساده‌ترین شکل ممکن بخش‌های مختلف بدن انسان و نحوه ارتباط آن‌ها را نشان می‌دهد.

– الگوی مرز امکانات تولید –

یکی از انتخاب‌های اساسی که هر کسب و کاری (مانند یک شرکت تولیدی) با آن مواجه است، عبارت است از این که: «این کسب و کار چگونه می‌تواند منابع کمیاب خود را در میان انواع تولیدات تقسیم کند؟»

کارخانه‌ای را تصور کنید که فقط دو محصول پنیر و ماست را تولید می‌کند.



مرز امکانات تولید: نشان‌دهنده حداکثر امکان تولید یک شرکت با توجه به منابع موجود است.

نقاط روی مرز امکانات تولید نشان می‌دهد که منابع کمیاب بین تولید این دو محصول چگونه تقسیم شده است، به عنوان مثال:

نقطه «الف»: کارخانه همه منابع کمیاب را فقط برای تولید محصول پنیر به کار می‌گیرد و حداکثر ۱۰۰۰ بسته از این کالا در هفته تولید خواهد شد و دیگر امکان تولید محصول ماست وجود نخواهد داشت.

نقطه «و»: کارخانه همه منابع کمیاب را فقط برای تولید محصول ماست به کار می‌گیرد و حداکثر ۵۰۰ سطل از این کالا در هفته تولید خواهد شد و دیگر امکان تولید محصول پنیر وجود نخواهد داشت.

نقطه «ب»: ۹۰۰ بسته از محصول پنیر و ۱۰۰ سطل از محصول ماست تولید می‌شود.

نقطه «ه»: ۴۰۰ سطل از محصول ماست و ۳۰۰ بسته از محصول پنیر تولید می‌شود.

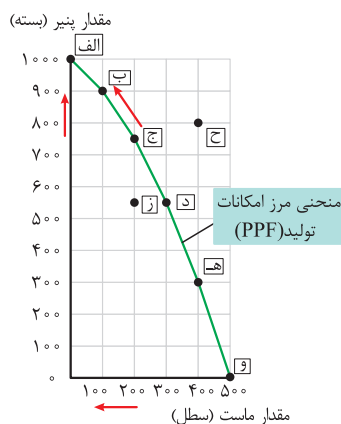
به خطی که از اتصال این نقاط به دست می‌آید، «مرز امکانات تولید» گفته می‌شود.

نام اختصاری منحنی مرز امکانات تولید: PPF (Production Possibility Frontier)

– هزینه فرصت اجتماع –

مرز امکانات تولید به ما اجازه می‌دهد تا هزینه فرصت یک کشور (یا یک شرکت) را زمانی که بیش از یک کالا تولید می‌کند، مجسم کنیم.

در مثال ذکرشده، (منحنی مرز امکانات تولید برای یک کارخانه که دو محصول پنیر و ماست را تولید می‌کند) در نقطه «ج» کارخانه ۷۵۰ بسته محصول پنیر و ۲۰۰ سطل محصول ماست تولید می‌کند.



حال اگر کارخانه تصمیم بگیرد ۱۵۰ بسته محصول پنیر بیشتر تولید کند، آن گاه هزینه فرصت این انتخاب کدام است؟

برای تولید محصول پنیر بیشتر، شرکت باید به سمت چپ و بالا در طول منحنی مرز امکانات تولید حرکت کند. یعنی از نقطه «ج» به نقطه «ب» برود.

در نقطه «ج» میزان تولید محصول پنیر، ۷۵۰ بسته و میزان تولید محصول ماست، ۲۰۰ سطل است.

در نقطه «ب» میزان تولید محصول پنیر، ۹۰۰ بسته و میزان تولید محصول ماست، ۱۰۰ سطل است.

در نقطه «ب» میزان تولید محصول پنیر، ۱۵۰ واحد بیشتر از تولید این کالا در نقطه «ج» است: $(۹۰۰ - ۷۵۰ = ۱۵۰)$ اما میزان تولید محصول ماست، ۱۰۰ سطل کاهش می‌یابد:

$$(۲۰۰ - ۱۰۰ = ۱۰۰)$$



- مرز امکانات تولید نشان می‌دهد برای داشتن محصول پنیر بیشتر، کارخانه باید از مقداری محصول ماست صرف نظر کند. محصول ماست از دست‌رفته، هزینه فرصت محصول پنیر بیشتر است.
- بنابراین هزینه فرصت ۱۵۰ واحد بیشتر محصول پنیر، ۱۰۰ واحد محصول ماست است که از تولید آن صرف نظر شده است.

– کارایی و ناکارایی –

- تلاش برای به دست آوردن کارایی به معنای یافتن موقعیت‌هایی برای پیشرفت است.
- اگر یک شرکت یا یک کشور، هر فرصتی را برای استفاده بهتر از منابع به کار گیرد و این تغییر باعث شود وضع دیگران بدتر شود (یا مقدار تولید کالای دیگر کاهش یابد)، اقتصاد آن شرکت یا کشور کارا است؛ یعنی شرکت یا کشور از منابع موجود خود، بیشترین استفاده را می‌برد. در غیر این صورت حداقل بیش از یک کالا یا خدمت می‌توان در دسترس مردم قرار داد؛ بدون آن که کالاها یا خدمات دیگر کاهش پیدا کنند.
- هر نقطه زیر منحنی مرز امکانات تولید، نشان‌دهنده این است که اقتصاد از بیشترین منابعش استفاده نکرده است و تولید ناکاراست؛ زیرا حداقل بیشتر از یک کالا می‌توانست تولید کند، بدون این که کالاهای دیگر حذف گردند.
- وقتی تولید ناکارا باشد، این امکان وجود دارد که حداقل بیشتر از یک کالا تولید شود؛ بدون آن که از تولید کالاهای دیگر کاسته شود.
- ناحیه خارج از منحنی مرز امکانات تولید، نقاطی هستند که کشور می‌تواند آرزوی رسیدن به آن‌ها را داشته باشد. (این نقاط با فرض ثابت ماندن منابع کشور، غیر قابل دستیابی هستند، زیرا کشور منابع کافی برای تولید در آن سطح را ندارد.)

♦♦ درس پنجم: بازار چیست و چگونه عمل می‌کند؟ ♦♦

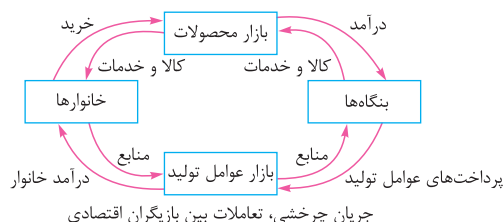
– جریان چرخشی ساده –

- این نمودار تصویر بسیار ساده و خلاصه شده از فعالیت‌های اصلی یک اقتصاد است که فقط بخشی از واقعیت در عرصه اقتصاد را دربرمی‌گیرد.
- در این نمودار جایگاه دولت و نقش آن مشخص نشده است.

- این تصویر ساده از اقتصاد جامعه، شامل دو عضو است:

خانوارها:

نحوه مشارکت خانوارها در اقتصاد:



- خریداری کالاها و خدمات مورد نیاز از کسب و کارها (یا همان بنگاه‌ها)
- ارائه زمین، نیروی کار، سرمایه و کارآفرینی به بنگاه‌ها برای تولید کالاها و خدمات
- بنگاه‌ها:

- بنگاه‌ها همان چیزی است که مردم معمولاً آن را به عنوان کسب و کار می‌شناسند.
- مؤسسات کسب و کارها یا همان بنگاه‌ها شامل: مزارع کشاورزی، فروشگاه‌ها، کسب و کارهای خویش‌فرمایی مثل پیرایشگری، نقشه‌کشی و معماری ساختمان یا شرکت‌ها و کارگاه‌ها و کارخانه‌های تولیدی
- برای تولید کالاها و خدمات، بنگاه‌ها باید از خانوارها منابع را خریداری یا اجاره کنند.
- بنگاه‌ها، منابع را از خانوارها اجاره یا خریداری می‌کنند.

– نکات مربوط به نیمه بالایی نمودار (بازار کار و خدمات) –

- نیمه بالایی نمودار، تبادل تولیدات را در بازار کالاها و خدمات نشان می‌دهد.
- در بازار کالاها و خدمات، خانوارها خریدار و بنگاه‌ها فروشنده‌اند.
- پولی که خانوارها بابت خرید کالاها و خدمات پرداخت می‌کنند، با عبور از بازار محصولات به عنوان درآمد بنگاه دریافت می‌شود.

– نکات مربوط به نیمه پایینی نمودار (بازار منابع تولید) –

- تبادل منابع تولید (زمین، نیروی کار، سرمایه و کارآفرینی) در بازار منابع تولید را نشان می‌دهد.
- در بازار منابع تولید، خانوارها فروشنده و بنگاه‌ها خریدار هستند.
- پولی که بنگاه‌ها بابت خرید منابع تولید می‌پردازند (دستمزد، اجاره و سود)، با عبور از بازار منابع تولید، به عنوان درآمد خانوارها دریافت می‌شود.
- درآمد خانوارها در بازار عوامل تولید: پرداخت‌هایی که بابت خرید منابع تولید به خانوارها (دستمزد، اجاره و سود) پرداخت می‌شود.

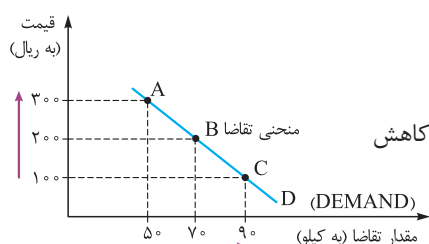
– بررسی بازار –

- بازار معنای خاصی در اقتصاد دارد. بازار به مجموعه خریداران و فروشندگان چیزی در هر جای ممکن اطلاق می‌شود. مبادلات در بازار ممکن است حضوری و حقیقی نباشد و به صورت مجازی در اینترنت صورت گیرد.
- به مجموعه خریداران (تقاضاکنندگان یا همان خانوارها) و فروشندگان (عرضه‌کنندگان یا همان بنگاه‌ها) هر چیزی در هر جایی «بازار» گفته می‌شود. در نتیجه بازار دو بخش دارد:

الف) تقاضاکنندگان ب) عرضه‌کنندگان

– الف) تقاضاکنندگان –

خریداران:



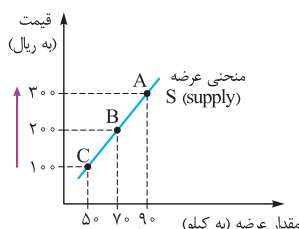
- خانوارهایی هستند که تقاضاکننده کالاها و خدمات‌اند.
- نسبت به مشاهده تغییر شرایط بازار، تصمیمات متفاوتی می‌گیرند.
- مقدار تقاضا از یک کالا با قیمت آن رابطه‌ای عکس دارد. یعنی با افزایش قیمت، مقدار تقاضا کاهش می‌یابد و بالعکس! ← به این رابطه، «قانون تقاضا» می‌گویند.



عوامل مؤثر بر تقاضا

(۱) قیمت کالا	تغییر در قیمت یک کالا (با فرض ثابت بودن سایر عوامل)، باعث حرکت بر روی منحنی تقاضا از یک نقطه به نقطه دیگر می‌شود. با افزایش قیمت کالا، میزان تقاضا از آن کاهش و بالعکس با کاهش قیمت کالا، میزان تقاضا از آن افزایش می‌یابد.
(۲) درآمد افراد: تأثیر درآمد بر میزان مصرف یا تقاضای کالا به نوع کالا بستگی دارد.	الف) کالای معمولی: کالایی است که با کاهش درآمد، تقاضا برای آن کم می‌شود و با افزایش درآمد میزان مصرف آن کالا افزایش می‌یابد. ب) کالای پست: به کالایی گفته می‌شود که با افزایش درآمد، تقاضا برای آن کاهش می‌یابد. (علت کاهش تقاضا این است که مصرف کنندگان با افزایش درآمدشان به جای مصرف آن کالا، روی به مصرف کالاهایی می‌آورند که کیفیت بالاتری داشته باشند).
(۳) قیمت دیگر کالاها: ارتباط کالاها با یکدیگر و تغییر قیمت آن‌ها، روی مقدار خرید ما از کالای مورد نظرمان اثر می‌گذارد.	کالاهای مکمل: کالاهایی هستند که به صورت تکمیلی و با هم مصرف می‌شوند. مثل: قند و چای، اتومبیل و بنزین، مسواک و خمیردندان و ... افزایش قیمت یکی از کالاهای مکمل باعث کاهش در میزان تقاضا برای کالاهای دیگر خواهد شد و برعکس. کالاهای جانشین: کالاهایی هستند که در استفاده یا مصرف جایگزین یکدیگر می‌شوند. هنگامی که قیمت یک کالا افزایش می‌یابد، تقاضا برای آن کاهش و تقاضا برای کالای جانشین افزایش می‌یابد. برعکس زمانی که قیمت یک کالا کاهش می‌یابد، تقاضا برای آن افزایش و تقاضا برای کالای جانشین کاهش می‌یابد. کالاهای جانشین مانند: گوشت سفید و قرمز
(۴) عوامل دیگر	سلیقه: چیزهایی که مد می‌شوند، حتی بدون تغییر قیمت، مقدار تقاضای آن‌ها زیاده‌تر می‌شود. انتظارات: اگر مطلع شوید قیمت کالایی در آینده بیشتر می‌شود، امروز ممکن است درباره خرید آن تصمیم دیگری بگیرید.

- (ب) عرضه کنندگان -



- فروشندگان همان بنگاه‌های ارائه‌کننده کالا یا خدمات و نیز عوامل فروش آن‌ها هستند.
- مقدار عرضه از یک کالا با قیمت آن رابطه مستقیم دارد. یعنی با افزایش قیمت، مقدار عرضه از آن کالا افزایش می‌یابد و بالعکس! ← به این رابطه قانون عرضه می‌گویند.

عوامل مؤثر بر عرضه

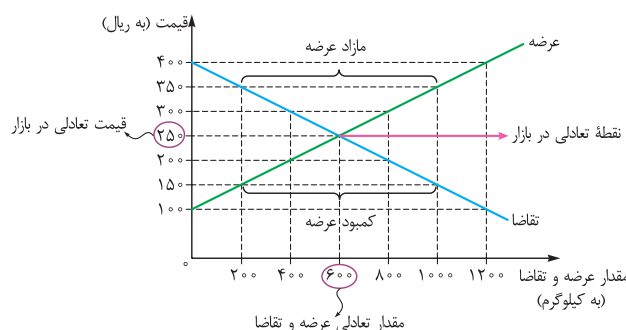
(۱) قیمت کالا	تغییر در قیمت یک کالا (با فرض ثابت بودن سایر عوامل)، باعث حرکت بر روی منحنی عرضه از یک نقطه به نقطه دیگر می‌شود. با افزایش قیمت کالا، میزان عرضه از آن افزایش و با کاهش قیمت کالا، میزان عرضه از آن نیز کاهش می‌یابد.
(۲) هزینه‌های تولید	اگر هزینه‌های تولید کالایی افزایش یابد، به شرط ثابت بودن سایر عوامل، بنگاه، عرضه آن کالا را کاهش می‌دهد. (رابطه معکوسی بین هزینه‌های تولید و عرضه بنگاه وجود دارد). هزینه‌های تولید بنگاه به عوامل زیر بستگی دارد: ● مقدار و قیمت عوامل تولید: اگر میزان و یا قیمت عوامل تولید (مانند مواد اولیه) افزایش یابد، هزینه‌های تولید افزایش می‌یابد و میزان تولید کالا کاهش می‌یابد و بالعکس. ● ابداعات و اختراعات: ابداعات و اختراعات معمولاً با کاهش هزینه‌ها، اثر مثبتی بر مقدار تولید و عرضه دارد.

- تعادل در بازار -

- عامل ایجاد هماهنگی و تعادل در رفتار اقتصادی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان = قیمت کالا
- نقطه برخورد دو منحنی عرضه و تقاضا، نقطه تعادل در بازار را نشان می‌دهد که قیمت متناظر با آن، قیمت تعادلی و مقدار متناظر با آن را مقدار تعادلی در بازار می‌گویند. در این نقطه: مقدار عرضه = مقدار تقاضا و قیمت عرضه = قیمت تقاضا
 - در سطوح قیمت بالاتر از قیمت تعادلی، مصرف‌کنندگان به دلیل قیمت بالا، مایل به خرید تعداد واحد کم‌تری از کالا هستند. در این حالت در

بازار این کالا، «مازاد عرضه» یا «کمبود تقاضا» وجود دارد. در این حالت به دلیل گران بودن کالا، تولیدکنندگان که به دنبال کسب سود بیشتری هستند، به تولید بیشتر می‌پردازند در حالی که مصرف‌کنندگان به خرید و مصرف این کالای گران تمایل نشان نمی‌دهند. در صورت ادامه این روند، چون گروهی از تولیدکنندگان موفق نمی‌شوند کالایشان را بفروشند، حاضر خواهند بود آن را با قیمتی پایین‌تر به فروش برسانند، در نتیجه، قیمت پایین می‌آید. در این حالت از یک سو، مصرف‌کنندگان با پایین آمدن قیمت، مقدار خرید خود را افزایش می‌دهند و از سوی دیگر، تولیدکنندگان از مقدار تولید خود می‌کاهند. این کاهش قیمت تا رسیدن به سطح قیمت تعادلی و از بین رفتن فاصله بین عرضه و تقاضا ادامه می‌یابد.

میزان تقاضا در همان سطح قیمت - میزان عرضه در آن قیمت = میزان مازاد عرضه یا کمبود تقاضا در سطح قیمت بالاتر از قیمت تعادلی



● در سطوح قیمت پایین‌تر از قیمت تعادلی، مصرف‌کنندگان به

دلیل ارزان بودن کالا، مایل به خرید تعداد واحد بیشتری از کالا هستند. در این حالت در بازار این کالا، **کمبود عرضه یا مازاد تقاضا** وجود دارد. زیرا به دلیل ارزان بودن کالا، تقاضا برای آن زیاد است. در حالی که تولیدکنندگان برای تولید آن کالا به آن مقدار، انگیزه کافی ندارند؛ در نتیجه تولید و عرضه آن کم می‌شود.

در صورت ادامه این روند چون گروهی از مصرف‌کنندگان موفق به خرید کالای مورد نیاز خود نخواهند شد، این گروه برای خرید

کالا حاضر خواهند بود مبلغ بالاتری بپردازند و این امر سبب افزایش قیمت کالا می‌شود. افزایش قیمت باعث می‌شود که از یک سو تولیدکنندگان رغبت بیشتری به تولید نشان دهند و از سوی دیگر مصرف‌کنندگان از مصرف خود بکاهند. این افزایش قیمت تا رسیدن به سطح قیمت تعادلی و از بین رفتن فاصله بین عرضه و تقاضا ادامه می‌یابد.

میزان عرضه در همان سطح قیمت - میزان تقاضا در آن قیمت = میزان کمبود عرضه یا مازاد تقاضا در سطح قیمت پایین‌تر از قیمت تعادلی

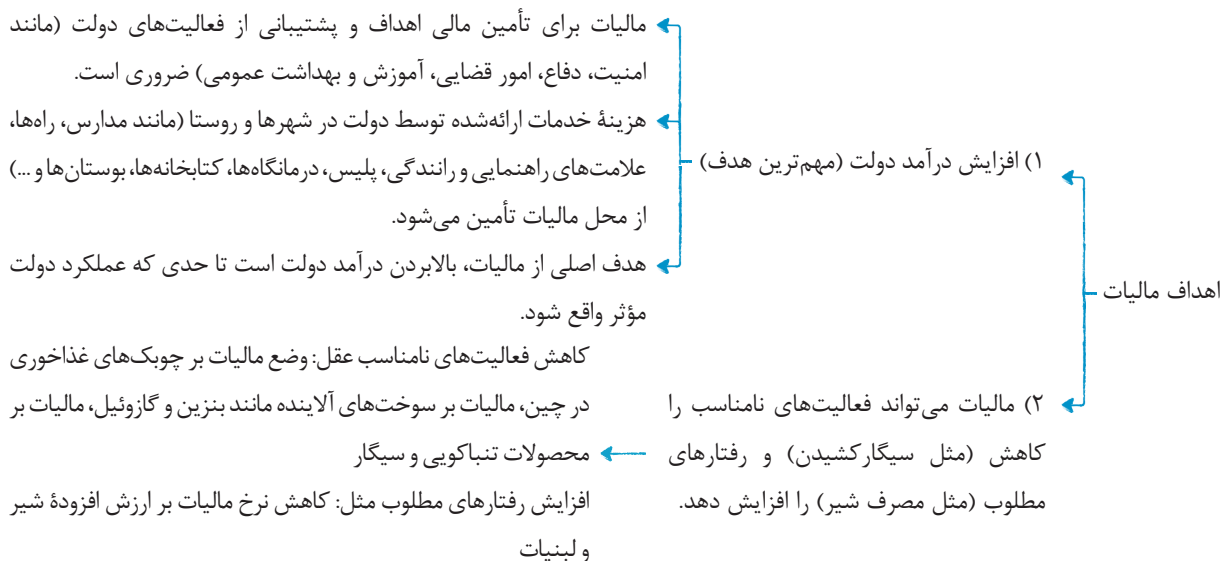
درس ششم

شرح وظایف	وظایف دولت
<ul style="list-style-type: none"> ● مجموعه گسترده‌ای از قوانین و مقرراتی که توسط دولت وضع و اجرا می‌شود، به منظور تسهیل و تشویق مبادلاتی است که به نفع خریداران و فروشندگان است و از بروز شرایطی که به مبادلات آن‌ها آسیب می‌زند، جلوگیری می‌کند. ● حضور دولت و عملکرد آن سبب می‌شود افراد به حقوق یکدیگر تعرض نکنند و مثلاً دارایی‌هایی را که متعلق به آن‌ها نیست، تصرف نکنند. ● دولت با تعریف و اجرای حقوق مالکیت امنیت خرید و فروش و مبادلات را بهبود می‌بخشد. دولت اجازه نمی‌دهد تا زمانی که فروشنده اثبات نکند که مالک واقعی چیزی است، آن را بفروشد. ● دولت با وضع قوانین و مقررات ویژه در زمینه‌های مختلف می‌کوشد تا وجود اطلاعات و آگاهی‌های لازم را برای مبادله بین افراد تضمین کند. 	<p>(۱) بهبود عملکرد بازار</p>
<ul style="list-style-type: none"> ● کالای عمومی به کالا و خدماتی گفته می‌شود که توسط افراد زیادی می‌تواند هم‌زمان استفاده شود و شما نمی‌توانید مردم را از استفاده آن محروم سازید. (مانند احداث جاده‌ها و پل‌ها، تأمین بهداشت و امنیت) 	<p>(۲) ارائه کالاهای عمومی</p>

- ابزارها و منابع تأمین مالی دولت -

منابع مالی دولت برای ارائه خدمات و کالاهای عمومی از دو محل تأمین می‌شود: (۱) مالیات‌ها (۲) فروش دارایی‌های ملی.

۱ مالیات‌ها: دولت برای تأمین سطحی از کالاها و خدمات عمومی برای همگان، از مردم مالیات می‌گیرد.



- انواع مالیات -

- انواع مالیات
- الف) مالیات مستقیم: در این نوع از مالیات، مبلغی به عنوان مالیات دریافت می‌شود.
 - ب) مالیات غیرمستقیم: در این نوع از مالیات، مالیات به صورت بخشی از قیمت کالا از مشتری گرفته می‌شود.



انواع مالیات	توضیح	مثال
مالیات بر دارایی	● اساس و مبنای مالیات: ثروت مؤدی (پرداخت کننده مالیات)	مالیات بر ارث (مهم ترین مالیات بر دارایی)
مالیات بر درآمد (مهم ترین نوع مالیات)	● اساس و مبنای مالیات: درآمد افراد و شرکت ها (و نه ثروت آنها) ● از هر کدام از انواع درآمدها جداگانه دریافت می شود.	مالیات بر حقوق، مالیات بر درآمد املاک، مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی و...
عوارض گمرکی و خدماتی	● مالیات هر کشور بر صادرات و واردات کالاهای مختلف است. ● تابع سیاست های کلان بازرگانی و شرایط اقتصادی کشورها هستند. ● معمولاً برای حمایت از صنایع داخلی نیز به کار گرفته می شوند. ● براساس قیمت و ارزش کالاها یا براساس ویژگی ها و مشخصات آنها (حجم، وزن و ...) تعیین و دریافت می شوند.	
عوارض خدماتی	● انواع عوارض درج شده در قبض های شهرداری	عوارض خودرو یا عوارض نوسازی و دفع پسماند
مالیات بر مصرف	● مالیاتی است که مصرف کنندگان کالاهای خاص در زمان خرید آن کالا (به همراه قیمت کالا) پرداخت می کنند. ● اگر فرد میزان بیشتری از کالا را مصرف کند، در نهایت مالیات بیشتری نیز پرداخت می کند. ● مالیات نهائماً توسط مصرف کننده نهایی پرداخت می شود. ● وظیفه قانونی پرداخت این نوع مالیات به عهده تولید کنندگان و فروشندگان است.	مالیات بر مشروبات غیرالکلی ماشینی و مالیات بر دخانیات
مالیات بر ارزش افزوده (VAT)	● این نوع از مالیات، چند مرحله ای است و در هر یک از مراحل تولید و تکمیل تا مصرف نهایی برحسب ارزش افزوده گرفته می شود. ● با ایجاد شفافیت، فرار مالیاتی را کاهش می دهد. ● از مالیات ستانی مضاعف جلوگیری می کند، چراکه مالیات پرداخت شده تولید کنندگان قبلی از مالیات بر فروش بعدی کسر می شود. ● کالا و خدمات واسطه ای از پرداخت مالیات معاف می شوند. ● در کشورهایی که ساز و کار مالیات بر ارزش افزوده برقرار است، کسب و کارها، منبع مالیات را از فروش خودشان جمع آوری کرده و آن را از طریق خرید از دیگر کسب و کارها، پرداخت می کنند.	مالیات بر ارزش افزوده (VAT) صنعتی، غذایی و...



محاسبه مالیات بر ارزش افزوده (VAT) -

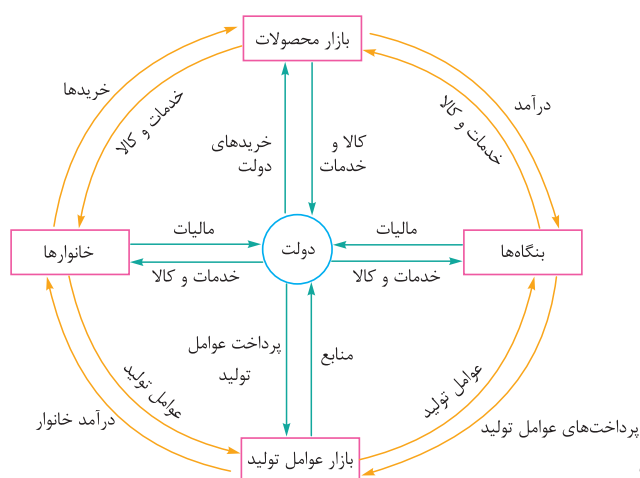
مراحل	نحوه محاسبه
قیمت فروش با مالیات بر ارزش افزوده	(نرخ مالیات بر ارزش افزوده \times قیمت کالا در آن مرحله) + قیمت کالا در آن مرحله
مالیات بر ارزش افزوده جمع آوری شده توسط فروشنده	نرخ مالیات بر ارزش افزوده \times قیمت کالا در آن مرحله
اعتبار مالیات بر ارزش افزوده‌هایی که در مرحله قبل پرداخت شده	برابر است با مالیات بر ارزش افزوده جمع آوری شده توسط فروشنده در مرحله قبل
مالیات بر ارزش افزوده خالص جمع آوری شده	مالیات بر ارزش افزوده جمع آوری شده توسط فروشنده در مرحله قبل - مالیات بر ارزش افزوده جمع آوری شده توسط فروشنده در آن مرحله
مجموع مالیات بر ارزش افزوده جمع آوری شده	مجموع مالیات بر ارزش افزوده خالص جمع آوری شده تمامی مراحل یا مالیات بر ارزش افزوده جمع آوری شده توسط فروشنده در مرحله آخر

۲ سایر درآمدهای دولت

سایر درآمدهای دولت

- در کشور ایران، غیر از مالیات، بخشی زیادی از درآمدهای دولت از محل فروش دارایی‌های تجدیدناپذیری مثل نفت و گاز تأمین می‌شود.
 - این درآمد پایدار نیست، با قیمت نفت نوسان می‌کند و قابل تحریم است.
 - این دارایی‌ها، به نسل‌های بعد نیز تعلق دارد و اگر با درآمد حاصل از فروش این منابع، دارایی‌های دیگری خلق نشود و صرفاً صرف هزینه‌های جاری کشور (نظیر پرداخت دستمزد و ...) شود، نسل‌های بعد، ما را نخواهد بخشید.
- (۱) فروش دارایی‌های تجدیدناپذیری مثل نفت و گاز
- (۲) از طریق ایجاد بدهی (یا از طریق قرض گرفتن از مردم یا شریک کردن آن‌ها در طرح‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری‌های دولت و تقسیم سود بین آن‌ها)
- دولت، سالیانه بخشی از درآمد مورد نیاز خود را از طریق ایجاد بدهی تأمین می‌کند (یا از طریق قرض گرفتن از مردم یا شریک کردن آن‌ها در طرح‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری‌های دولت و تقسیم سود بین آن‌ها) تأمین می‌کند. (این درآمد نیز تا ابد پایدار نمی‌تواند باشد.)

جایگاه دولت در جریان چرخشی درآمد (کنترل‌کننده) -



دولت برای انجام نقش‌های مختلفی که بر عهده دارد، خریدار مهمی در بازارهای عوامل تولید و نیز بازار کالا و خدمات به شمار می‌رود و با دریافت مالیات از شرکت‌ها و خانواده‌ها و پرداخت یارانه به آن‌ها نقشی مهم در اقتصاد ایفا می‌کند.

جریان چرخشی ساده